

فصلنامه تحقیقات جدید علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره چهارم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۹، صص ۳۹۳-۴۰۱

New Period 4, No 29, 2020, P 393-401

ISSN (2476-7018)

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸)

نقدی بر کتاب «روش‌های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش»

یوسف محمدیان*^۱. عباس قلتاش^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

(نویسنده مسئول) mohammadian_yousef@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

gholtash578@yahoo.com

چکیده

در دنیای مدرن امروز شاهد تغییرات گسترده‌ای در ابعاد مختلف هستیم و فرایند یاددهی-یادگیری نیز تغییرات فزاینده‌ای نسبت به گذشته داشته است. برای تحول در نظام‌های آموزشی، دانش‌افزایی و تغییر دیدگاه‌ها و نگرش‌های معلمان ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. لذا آثاری که در زمینه‌ی الگوها و روش‌های تدریس ترجمه و تألیف می‌شوند بایستی از کارایی و کیفیت لازم برخوردار باشند تا شاهد اثر بخشی آن‌ها در فرایند آموزش باشیم. نقد علمی و تحمل نقد پذیری به توسعه‌ی جامعه کمک می‌کند و زمینه‌ی پیشرفت دانش مدنظر و کاهش آسیب‌ها را به دنبال خواهد داشت. در همین راستا، کتاب روش‌های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش معرفی و در دو بخش ظاهری و محتوایی نقد و بررسی شده است. کتاب در بخش ظاهری از کیفیت و کارآمدی مناسب در قطع، کاربست فونت و حروفنگاری برخوردار است و در بخش محتوایی اهداف فصل، خلاصه فصل و واژه‌نامه دیده نمی‌شود و در بخش تنظیم منابع لازم است از سبک‌های مراجع در حوزه علوم تربیتی استفاده شود و از منابع مرجع در زمینه الگوهای تدریس استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: روش‌های نوین، یاددهی یادگیری، آموزش، نقد و بررسی



مقدمه

توانایی آموزش، مستلزم دانش و اطلاعات علمی و مهارت‌های عملی به عنوان عواملی است که به یادگیری اثربخش منتهی می‌شود. روش‌های تدریس و آموزش در جهان سابقه ای به بلندای تاریخ بشر دارند. امروزه دیدگاه بشر از تدریس صرف در کلاس درس فراتر رفته و به رویکردها و گرایش‌های جدید که حاصل یافته‌های علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و مدیریتند، در عرصه‌ی تدریس و معلمی توجه دارد. این رویکردها سبب می‌شوند که معلمان با وسعت نظر بیشتری به تدریس و نقش خود بنگرند و با به کارگیری آن‌ها، کیفیت یادگیری و رشد همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان را بهبود بخشند. (صفوی، ۱۳۸۵)

نقد کتاب علمی، مقاله‌ای رسمی است که آثار را به عنوان یک منبع ویژه شرح، تجزیه و تحلیل و ارزیابی می‌کند و نیز شواهد و اسناد جزئی تری را برای پشتیبانی این تجزیه و تحلیل ارائه می‌کند. به علاوه نقد کتاب، اغلب کتاب را با دیگر آثار مشابه مقایسه می‌کند. (زرین کوب، ۱۳۹۲)

کتاب‌های متعددی درباره‌ی الگوهای نوین یاددهی - یادگیری تألیف یا ترجمه شده است که کتاب روش‌های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش نوشته فریدون اکبری شلدره‌ای، دکتر حسین قاسم پور مقدم و خانم فاطمه صغری علیزاده یکی از آن‌هاست. این نوشتار قصد دارد بررسی نقدگونه‌ای بر ساختار و محتوای این کتاب داشته باشد تا شاید کمکی باشد برای بهتر شدن چاپ‌های بعدی آن.

معرفی و توصیف اثر

کتاب «روش‌های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش» کتابی مشتمل بر ۲۷۸ صفحه است که توسط آقایان فریدون اکبری شلدره‌ای و دکتر حسین قاسم پور مقدم و خانم فاطمه صغری علیزاده در سال ۱۳۸۹ توسط انتشارات فرتاب برای دومین بار چاپ شده است. به استناد صفحه‌ی ۴ اثر، کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است. کتاب با پیشگفتار مؤلفان آغاز و در سه فصل تنظیم و در پایان فصول با فهرست منابع و مأخذ و اعلام نام‌ها به پایان رسیده است. مؤلفان کتاب معتقدند که مجریان برنامه‌های درسی یعنی معلمان اگر از فرایند علمی و منطقی آموزش مطلع نباشند و برای تحقق اهداف از شیوه‌هایی نامناسب بهره بگیرند، چه بسا که تلاش‌ها و زحمات افراد مؤثر در آموزش بی‌ثمر بماند و هدف اصلی خود را ترسیم یک سیر منطقی از نظریه تا عمل در ذهن توسط دانشجویان و معلمان و افراد صاحب نظر در این حوزه عنوان نموده‌اند و ابراز امیدواری کرده‌اند تا از این رهگذر بتوان تثبیت و تعمیق آن را در منش و رفتار مخاطبین کتاب پیدا کرد.



فصل اول: « نظریه‌های یاددهی - یادگیری و کاربرد آن‌ها »

در این فصل، نویسندگان پس از بیان مقدمه به تعریف مفاهیمی چون دیدگاه‌های یادگیری، یادگیری و نکات مشترک نظریه‌های یادگیری پرداخته و آن‌ها را براساس دیدگاه مورخان فلسفه در دو گروه خرد گرایی و تجربه گرایی دسته بندی کرده اند. نظریه‌های یادگیری معرفی شده شامل نظریه ی ثورندایک همراه با اصول یادگیری، نظریه اسکینر و پیوندهای ایجادشده میان محرک و رفتار و پی آمدهای ناشی از آن، نظریه ی پاولف همراه با تداعی معانی یا هم خوانی اندیشه ها و عینیت بخشی و ملموس کردن موضوع و نظریه ی گشتالت و تحقیقات انجام شده توسط ورتایمر روی پدیده ی حرکت به انضمام کاربرد این نظریات در آموزش می باشد. نظریه ی میدان - شناختی و نسبی گرایی یادگیری، نظریه ی یادگیری اکتشافی و تفکر شهودی برونز، نظریه ی یادگیری معنادار دیوید آزوبل و ساخت شناختی فرد به عنوان اساس یادگیری، نظریه ی خبر پرداز ی گیلفورد^۳ و چگونگی تحلیل فرایندهای ذهنی در یادگیری، نظریه ی رشد شناختی پیاژه و مراحل رشد عقلانی، نظریه ی دیویی و دیدگاه کارکردی او نسبت به یادگیری، نظریه ی گانیه و رفتار گرایی گزینشی یا التقاطی مد نظر او در این نظریه و مراحل تفکر از نگاه برونر همراه با کاربرد نظریه های ذکر شده در آموزش در ادامه فصل به تفصیل بیان شده اند.

فصل دوم: « الگوهای یاددهی - یادگیری »

به سان فصل اول، مؤلفان فصل دوم را با بیان مقدمه ای درباره ی روش‌های تدریس فعال و غیر فعال آغاز کرده اند. الگوی عمومی تدریس به نقل از رابرت گلنزر^۴ پنج مرحله مطلب بعدی مورد اشاره در این فصل است که در مرحله ی اول برای معرفی هدف های رفتاری و آموزشی از طبقه بندی بلوم و همکارانش در سه حیطه ی شناختی، عاطفی و مهارتی (روانی - حرکتی) استفاده شده و در ادامه مراحل دوم تا پنجم همراه با جزئیات آمده است. الگوی تفکر استقرایی و تفکرات هیلداتابا همراه با مراحل تدریس و کاربرد عملی آن، اصول آموزشی، مراحل تدریس و کاربرد الگوی دریافت مفهوم، الگوی آموزشی گانیه همراه با مدل پردازش اطلاعات در ذهن و اصول و ترتیب و توالی آموزش بر اساس الگو و اصول آموزشی و توالی و ترتیب و اجزای آموزش در الگوی مریل مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه فصل الگوی پیش سازمان دهنده بر اساس نظریه ی معنی دار آزوبل همراه با اصول اساسی الگو و مراحل تدریس و الگوی ساخت گرایی و مراحل اجرای آن و الگوی تدریس اعضای گروه همراه با چارت مراحل اجرا معرفی شده اند. الگوی بارش مغزی به عنوان یکی از راهبردهای پرورش خلاقیت همراه با الگوی تدریس پژوهش آموزی، الگوی بدیعه پرداز ی و فرایند اجرای آن به صورت کاربردی، الگوی کاوشگری و ایفای نقش در کنار

1. Max Wertheimer
2. cognitive field theory
3. Guilford
4. Robert Glazer



الگوی تفکر انتقادی الگوی همیاری توضیح داده شده است. الگوی طرح درس روزانه جهت راهنمایی معلمان در هدفمندی تدریس و فرایند یاددهی - یادگیری براساس چارچوب استاندارد از دیگر مطالبی است که در این فصل به آن اشاره شده است.

فصل سوم: « روش‌های یاددهی - یادگیری »

این فصل از کتاب به روش‌های یاددهی و یادگیری اختصاص یافته که ابتدای آن به مقدمه‌ی مؤلفان در خصوص ارتقای کیفیت یادگیری و آسان‌سازی آن پرداخته شده است. سینرگوژی جهت آموزش دروس مختلف در چهار روش کارایی گروه، تدریس اعضای گروه، ارزیابی عملکرد و روشن‌سازی طرز برخورد (تلقی) همراه با مراحل اجرای آن‌ها معرفی شده‌اند. روش اکتشافی، روش گردش علمی، روش بحث گروهی، روش سخنرانی، روش نمایشی (نمایش علمی)، روش یادگیری تا حد تسلط (آموزش انفرادی)، روش آزمایشی (آزمایشگاهی)، روش واحد کار (پروژه)، روش حل مسئله، روش ایفای نقش (نمایش نامه) و روش تدریس مبتنی بر ایفای نقش همراه با گام‌های عملی و وظایف شرکت‌کنندگان در اجرای روش‌ها جهت استفاده‌ی مؤثر و بهینه توسط معلمان ارائه شده است.

نقد و بررسی اثر

پس از معرفی اثر، نقد و بررسی آن در دو بخش ظاهری و محتوایی صورت گرفته است. در بخش ظاهری، کیفیت فنی و طرح روی جلد و رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش و در بخش محتوایی، جامعیت صوری، نظم منطقی و انسجام مطالب، نوآوری و بدیع بودن مطالب و فهرست منابع و مأخذ مورد بررسی قرار گرفته است.

کیفیت فنی و طرح روی جلد

طرح جلد، حروف نگاری، صفحه آرایی، کیفیت چاپ، صحافی، قطع کتاب و نمونه خوانی و اشتباهات تایپی نشانگرهای کیفیت فنی و ظاهری یک کتاب است (حسینی، ۱۳۹۷). طرح روی جلد این کتاب، شبیه به تخته سبز کلاس با خط‌های زمینه سفید که در قسمت بالای جلد عنوان کتاب، در وسط جلد مثالی طراحی شده که اصطلاحات یادگیری در سطح و برنامه درسی، یاد دهنده و یادگیرنده در سه رأس آن و در پایین صفحه اسامی مؤلفان دیده می‌شود. پشت جلد کتاب تخته سبز بدون طرح خاصی و عنوان انگلیسی اثر آورده شده است. کیفیت چاپ، صفحه آرایی، حروف نگاری، کاربست فونت، صحافی و قطع کتاب مناسب و درخور است.



رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش

مؤلفان از اعضای شورای تألیف کتب درسی ادبیات فارسی هستند و کتاب ضمن حرفه‌نگاری از ویرایش خوبی برخوردار بوده و قواعد نگارشی در آن به خوبی رعایت شده است.

جامعیت صوری

این اثر از نظر جامعیت صوری، دارای پیشگفتار، مقدمه فصول (۳ تا ۱)، فهرست تفصیلی مطالب، جدول و چارت، فهرست منابع و مأخذ و اعلام نام‌ها است، اما از اهداف هر فصل، خلاصه‌ی فصل‌ها، معرفی منابع برای مطالعه‌ی بیشتر در پایان هر فصل، تمرین و آزمون (مرور و تأمل)، پیشنهاد پژوهشی و اصطلاحات کلیدی استفاده نشده است.

نظم منطقی و انسجام مطالب

فصل اول کتاب به معرفی نظریه‌های یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش پرداخته است. در صفحه ۱۶ کتاب ابتدا دیدگاه‌های مهم یادگیری در قالب دو دیدگاه تجربه‌گرایی و خردگرایی از نگاه مورخان فلسفه مطرح شده و در ادامه در صفحه ۱۹ مفهوم یادگیری تعریف شده است. برای تبیین بهتر موضوع رعایت ترتیب آوردن تعریف یادگیری و نظریه‌های یادگیری منطقی‌تر به نظر می‌رسد. "نظریه‌های یادگیری شرایط حصول و عدم حصول یادگیری یادگیری را تحلیل می‌کنند. تا قبل از قرن هفدهم، سه نظریه عمده به نام‌های انتظام ذهنی، شکوفایی طبیعی و اندر یافت وجود داشت که هنوز در بسیاری از مدارس جهان مورد توجه است. در قرن هفدهم جان لاک و در قرن هجدهم هربرت و در قرن نوزدهم پاولوف، واتسون، ثرندایک و پیروان مکتب گشتالت پایه‌های جدیدی در روانشناسی به طور اعم و در روانشناسی تربیتی اخص بنیاد نهادند و سرانجام در قرن بیستم، افرادی چون اسکینر، پیاز، برونر، آزوبل، بلوم و دیگران کوشیدند تا به نوعی یادگیری انسان و حیوان را مورد مطالعه و پژوهش قرار دهند. نظریه‌های معاصر را که - یادگیری و نظام‌های آموزشی را تحت تأثیر قرار داده‌اند - می‌توان به دو مجموعه بزرگ طبقه‌بندی کرد: نظریه شرطی (رفتارگرایی) و نظریه شناختی" (شعبانی، ۱۳۸۵: ۲۲). با توجه به تقسیم‌بندی‌های ارائه شده از نظریه‌های یادگیری و سیر تاریخی آن در اثر مورد بررسی هیچ اشاره‌ای به آن‌ها نشده است و لزوم توجه به سیر تاریخی نظریه‌های یادگیری در طول زمان در بازنگری کتاب ضروری است.

در صفحه ۱۹ کتاب مؤلفان به نظریه‌های رفتارگرایی و بینش‌گرایی و گشتالتی در قالب عقاید فلسفی تجربه‌گرایی و خردگرایی اقدام کرده‌اند و از افرادی چون ثرندایک، پاولف، گاتری، هال، اسکینر، دیویی، ورتایمر، کهلر و کافکا، لوین، پیاز، برونر، ویگوتسکی، چامسکی، آزوبل، گیلفورد، بلوم و گانیه

1. Ivan Petrovich Pavlov



نام برده اند. در ادامه فصل ترتیب مشخصی در بیان نظرات وجود ندارد و ارائه عقاید اندیشمندان خرد گرا و تجربه گرا از توالی مشخصی تبعیت نکرده و به نظریات برخی از اندیشمندان چون ویگوتسکی و بلوم اشاره ای نشده است. کاربرد نظریات یادگیری در آموزش توسط مؤلفان مورد توجه قرار گرفته که اقدامی شایسته هست ولی می توان با اندکی تغییر تحت عنوان راهکارهای تدریس همراه با مصداق ها و مثال عینی و کاربردی ذکر شود که سبب ارتقای اثر گردد.

در فصل دوم کتاب الگوهای یاددهی-یادگیری همراه با اصول آموزشی، مراحل اجرا و کاربردهای آن ها مورد توجه قرار گرفته است. در ابتدای فصل به الگوهای تدریس فعال و غیر فعال و الگوی عمومی تدریس اشاره شده است. در صفحه ۹۸ کتاب، الگوی عمومی تدریس به نقل از رابرت گلنر، در پنج مرحله معرفی شده است که عبارتند از: تعیین هدف های آموزشی و رفتاری، تعیین پیش دانسته ها و ارزش یابی ورودی، تعیین روش ها؛ وسایل آموزشی و کمک آموزشی، سازمان دهی شرایط و فعالیت های آموزشی و تعیین نظام ارزش یابی (مرحله ای و پایانی) و سنجش عملکرد آموزش (تدریس). مرحله ی سوم الگو تحت عنوان تعیین روش ها؛ وسایل آموزشی و کمک آموزشی معادل عبارت (instructional procedure and media) در نظر گرفته شده است. در حالی که به نقل از شعبانی (۱۳۸۵) معادل فارسی این عبارت می شود: تعیین شیوه ها و وسایل تدریس. مفهوم «وسایل آموزشی» مدت زیادی است که توسط تعداد زیادی از معلمان، مربیان و مؤلفان تحت عنوان «وسایل کمک آموزشی» به کار برده می شود. در بسیاری از طرح های آموزشی، بدون کوچکترین توجه به مفهوم صحیح «وسایل آموزشی» فقط از ابزارهایی که معلم می تواند در آموزش شاگردانش از آن ها کمک بگیرد یاد شده و استفاده از آن ها توصیه شده است، در حالی که مفهوم وسیله ی آموزشی بسیار فراتر از یک ابزار کمکی است. ما در مکالمات روزمره ی خود هرگز به تلفن، لفظ «وسیله ی کمک ارتباطی» یا به اتومبیل «وسیله ی کمک نقلیه» اطلاق نمی کنیم، اگر چه این وسایل در برقراری ارتباط و ایاب و ذهاب کمک زیادی به انسان می کنند. بنابر این اطلاق لفظ «کمک» به «وسایل آموزشی» مفهوم درستی نخواهد بود و نیاز است در بازنگری کتاب اصلاح شود.

تجارب یادگیری از ترکیب محتوا، فرایند و جو اجتماعی شکل می گیرند. ما همچون یادگیرندگان، با همکاری دانش آموزان و برای آنان به خلق فرصت هایی برای کشف و ساخت حوزه های مهم دانش، و ایجاد ابزارهای قدرتمند یادگیری و زیستن در شرایط اجتماعی مطابق با شأن انسان می پردازیم. ابزارهای اصلی ما همانا الگوهای تدریس یا در واقع الگوهای یادگیری هستند که به طور همزمان طبیعت محتوا، راهبردهای یادگیری و نظم و ترتیب حاکم بر تعامل های اجتماعی را-که محیط های یادگیری برای دانش آموزان فراهم می کند- مشخص می سازند. با گزینش الگوهای مناسب، محتوا به جای صورت جزئی به

1. educational (instructional) media

2. Educational aids



مفهوم کلی؛ فرایند به جای پذیرش انفعالی به کاوش سازنده؛ و جو اجتماعی به جای محدود کننده بودن به شکل گسترش یابنده مبدل می‌شود. انتخاب ما به دامنه‌ی روش‌های گوناگون تدریس و نیز کوشش کوشش برای توسعه‌ی آن از طریق ایجاد الگوهای جدید و مطالعه‌ی الگوهایی که دیگران ابداع کرده‌اند وابسته است. الگوهای تدریس بر اساس محور یادگیری و نوع نگاه نسبت به افراد و چگونگی نوع آموزش آن‌ها به چهار خانواده تقسیم شده‌اند. این چهار خانواده عبارتند از: پردازش اطلاعات، اجتماعی، شخصی (فردی) و نظام‌های رفتاری. جویس، کالهن و هاپکینز (۲۰۰۲)، ترجمه‌ی مهرمحمدی و عابدی (۱۳۹۶).

در فصل دوم کتاب مورد نظر هیچ اشاره‌ای به خانواده الگوهای تدریس نشده و الگوها فارغ از هرگونه ترتیب و توالی منطقی مطرح شده است. این بی‌نظمی خواننده را دچار سردرگمی می‌کند و تعدادی از الگوهای مطرح شده مانند الگوی آموزشی گانیه، الگوی آموزشی مریل و الگوی بارش مغزی در هیچ یک از خانواده‌های الگوهای تدریس قرار نمی‌گیرند.

در صفحه‌ی ۱۶۵ کتاب، مؤلفان فن یا تکنیک بارش مغزی را به عنوان الگوی تدریس مطرح کرده و آن را جزو الگوهای تدریس به حساب آورده‌اند در حالی که به نقل از صفوی (۱۳۸۵) بارش مغزی به عنوان یک فن یا تکنیک پویایی گروهی مد نظر است. اگر چه این فن برای تحقق هدف‌های آموزشی مناسب است ولی صرفاً در تدریس مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و نام‌گذاری آن به عنوان الگوی تدریس مفهوم درستی نیست و نخواهد بود.

روش در مقابل واژه‌ی لاتینی «متد» به کار رفته و به راه انجام دادن هر کاری می‌گویند. روش تدریس عبارت است از: راه منظم، باقاعده و منطقی برای ارائه‌ی درس. روش‌ها و فنون تدریس به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول، روش‌های سنتی که در گذشته‌های دور به کار می‌رفته‌اند مانند روش سقراطی و مکتب‌خانه‌ای و دسته‌ی دوم روش‌های مبتنی بر یافته‌های روانشناسی، هنر و علم آموزش که به طور عمده از قرن بیستم به بعد تکوین یافته‌اند و به روش‌های جدید شهرت دارند مانند: روش توضیحی، روش سخنرانی، روش اکتشافی، روش حل مسأله، روش بحث در کلاس، روش پرسش و پاسخ، روش فعال، روش پروژه یا واحد کار، روش آزمایشی، روش گردش علمی، روش قیاسی و استقرایی، روش یادگیری فردی، آموزش مهارت‌های فراشناختی و روش تمرین.

مؤلفان در فصل سوم کتاب با عنوان روش‌های یاددهی و یادگیری به سان فصل دوم به ترتیب و سیر تاریخی روش‌های تدریس توجهی نداشته و الگوهای تدریس ایفای نقش و یادگیری از طریق همیاری مانند کارایی گروه، تدریس اعضای تیم و روشن سازی طرز تلقی را در زمره‌ی روش‌های تدریس ذکر کرده‌اند.



نوآوری و نو بودن

با توجه به تاریخ انتشار اثر در چاپ اول و بررسی کتاب های نوشته شده توسط اندیشمندان داخلی و تکرار مطالب توسط مؤلفان بدون توجه به چهارچوب و اصول علمی الگوها و روش های تدریس هیچ گونه خلاقیت و نوآوری در ارائه مطالب دیده نشد و به نوعی تکرار مطالب با نوعی در هم گسیختگی همراه بود که به بازنگری جدی در تنظیم مطالب نیاز است.

از ۲۹ اثر فارسی و ۳ اثر لاتین برای تنظیم محتوای کتاب استفاده شده است. منابع مورد استفاده به استثنای مقالات در زمره ی منابع مرجع رشته ی علوم تربیتی هستند. در نگارش معمول کتاب های حوزه علوم انسانی از سبک APA جهت ماخذ نویسی استفاده می شود که در این کتاب سبک سنتی مصطلح در ادبیات فارسی موسوم به سبک توربین به کار رفته و منابع شماره ۵، ۹، ۲۰، ۲۱، ۲۶ و ۲۸ فاقد سال انتشار اثر هستند.

جمع بندی

کتاب ارزشمند روش های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آن ها در آموزش تألیف فریدون اکبری شلدره ای و دکتر حسین قاسم پور مقدم و فاطمه صغری عزیزان نیازمند پاره ای ویرایش های صورتی، ساختاری و محتوایی است. بر اساس یافته های تحقیق، پیشنهاد می شود:

مؤلفان کتاب از استادان برجسته کشور هستند و مطابق انتظار کتاب تمام نکات نگارشی و رسم الخط را رعایت نموده و صفحه آرایی و حروف چینی به خوبی انجام شده است. با توجه به نیاز جامعه ی فرهنگیان کشور به منابع ارزشمند در خصوص روش های نوین یاددهی - یادگیری انتظار می رود و پیشنهاد می گردد کتاب مورد ویراستاری مجدد قرار گرفته و در چاپ جدید جامعیت محتوایی با دقت بیشتری لحاظ گردد. در ابتدای هر فصل تنظیم اهداف و چارچوب های مورد انتظار ضروری به نظر می رسد و در پایان هر فصل خلاصه مطالب می تواند به انسجام ذهنی خواننده اثر، کمک شایانی بکند که امید است اجرایی شدن آن در دستور کار قرار گیرد. طرح جلد کتاب با توجه به مفهوم همیاری و تاکید الگوهای نوین بر سینرگژی بایستی مورد بازنگری قرار گیرد و از مفهومی استفاده شود که زبان گویای روش های نوین یاددهی - یادگیری باشد. دسته بندی الگوهای یادگیری متناسب با آخرین تغییرات ایجاد شده در الگوهای نوین به دانش افزایی بیشتر معلمان کمک خواهد کرد. در خصوص تنظیم منابع پیشنهاد می شود از سبک های معمول در حوزه های تخصصی استفاده شود و افزودن واژه نامه تخصصی می تواند گویایی مطالب و برقراری ارتباط مؤثرتر با اثر را تسهیل نماید. در کنار درج عنوان ارزشمند کاربرد الگوها در فرایند آموزش توصیه می شود از مصداق های عینی تر متناسب با مقاطع مختلف تحصیلی و برنامه های متفاوت درسی استفاده گردد تا معلمان شاغل در همه ی مقاطع تحصیلی بتوانند استفاده بهینه تر و بهتری از اثر داشته باشند.



فهرست منابع و مآخذ

- اسمعیلی، اصغر و آلبوغیش، عبدالله. (۱۳۹۶). نقد کتاب کتابشناسی توصیفی ادبیات تطبیقی در ایران. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۶، ص ۵۳-۷۲.
- اکبری شلدره ای، فریدون، قاسم پور مقدم، حسین و علیزاده، فاطمه صغری. (۱۳۸۹). روش های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آن ها در آموزش. تهران: فرتاب.
- برخوردار، رمضان. (۱۳۹۳). نقد و بررسی کتاب مکاتب فلسفی و آراء تربیتی تألیف: جرالذال. گوتک. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۲۱-۱۳۵.
- جویس، بروس، کالهن، امیلی و هاپکینز، دیوید. (۱۳۹۶). الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس. (ترجمه ی محمود مهرمحمدی و لطفعلی عابدی) تهران: سمت. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۲).
- جویس، بروس، ویل، مارشا و کالهن، امیلی. (۱۳۸۴). الگوهای تدریس ۲۰۰۴. (ترجمه ی محمد رضا بهرنگی). تهران: سمت. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۴).
- حسینی، سید محمد حسین. (۱۳۹۷). نقدی بر کتاب رویکردهای نظری و عملی تدوین برنامه های درسی در آموزش عالی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۷، ص ۱۱۶-۱۴۱.
- دالوندی، شراره. (۱۳۹۱). بررسی و نقد کتاب اصول برنامه ریزی درسی. پژوهشنامه ی انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال سیزدهم، شماره ی اول، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۹-۳۲.
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۵). مهارتهای آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس). جلد اول. تهران: سمت.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۰). مهارت‌های آموزشی (روش‌ها و فنون تدریس). جلد دوم. تهران: سمت.
- صفوی، امان الله. (۱۳۸۵). روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس. تهران: سمت.
- ماهینی، فاخته. (۱۳۹۰). نقدی بر کتاب « اصول برنامه ریزی درسی ». پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال هشتم، دوره ی دوم، شماره ی ۳۰، پاییز ۱۳۹۰.
- همدانی، مصطفی. (۱۳۹۳). نقد کتاب فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۲۷-۱۵۱.